



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۹۱ مرداد ۱۳۹۹

نوجوان
۹۱



با تشکر از
عطیه ضرابی

۶

درباره نوجوان پژوهشگری که رویایش
«پروفسور سمیعی» شدن است

از سینا تا سمیعی

امیرحسین
علی نیافرد

مهمان این هفته صفحه «یکی مثل ما»، پسری با علاقه زیاد به کتابخوانی و تحقیق و پژوهش است که برخلاف برخی از هم‌سن‌وسال‌هایش، وقت خود را با کتاب می‌گذراند. چهره متفکر و نگاه عمیق سینا شعبانی، مرید درس و مشق‌هایم انداخت. جوگیر شدم و خواستم بروم مثل او خودم را غرق کتاب کنم، که گفتم اول نوجوانه! از شوخی که بگذریم، الحق که از کوزه همان برون تراود که در اوست.

«همه چیز در کنار علم»

شاید بپرسید که مگر علم چقدر می‌تواند لذتبخش باشد که بیشتر ساعات زندگی سینا را به خود اختصاص داده؟ جواب یک کلمه است: خیلی، اگر ماهیت دانش را درک کنی.

«راهنمای راه‌بلد»

از الگویی که می‌پرسم، نام پروفسور سمیعی را می‌آورد و با علاقه‌ای زیاد از آرمان‌های مشابهنش حرف می‌زند. سینا هم می‌خواهد مثل دکتر سمیعی، برای خود و ایران افتخار بیافریند و پرچم‌مان را همیشه بالا نگه دارد. به قدری علاقه او به الگویی زیاد است که حتی بیشتر تحقیقات او در زمینه مغزو اعصاب و علوم روان‌شناختی بوده و به طور خلاصه و با شغف زیاد، باید بگویم که در سال‌های آینده، باید منتظر پروفسور دیگری هم در زمینه علمی کشورمان باشیم و افتخارات روزافزونش را تحسین کنیم. چه خوب است اگر ما هم مثل سینا، راه زندگی فردی موفق را مشق خود قرار دهیم و روی ریل خاصی حرکت کنیم.

«چشم‌انداز سینای آینده»

تصور کردن او در قالب یک فرد موفق، کار سختی به نظر نمی‌آید. اما اگر سراغ ریزه‌کاری‌های امید و آینده‌اش برویم، درمی‌یابیم که سینا می‌خواهد پزشکی شود، البته نه پزشکی معمولی‌ها بلکه از آنها که یاد و خاطره خوب‌شان تا مدت زیادی در دل و اذهان مردم مختلف به یادگار می‌ماند. این روزها، جای خالی یک عینک روی چشمانش خالی است و به گمانم در آینده‌ای نه چندان دور، عکس‌های او را با عینکی بر چشم خواهیم دید که او را جدی‌تر نشان می‌دهد.... البته که مهم، درون و باطن آدم‌هاست و طبق طبع شاعری باید گفت: تن آدمی شریف است به جان آدمیت.... او آرزو دارد که حسن‌خاتم این همه پژوهش، به یک پزشک خادم برسد. ما هم برایش دعا می‌کنیم، به خالصی خودش.

«مطالعه فرادرسى يك دهه هشتادى»

سینا شعبانی از آن پسرها نبود که در کوچه‌ها دنبال توپ و تفنگ باشد. یک چشمش به درس بود و نگاه دیگرش به کتاب‌های علمی و رفته‌رفته سوال‌های بزرگی ذهنش شکل گرفت که حالا در نوجوانی‌اش، با تحقیق و پژوهش به تک‌تک آنها پاسخ می‌دهد. او از دبستان، تحقیقات خود را شروع می‌کرد و اول هم با موضوعی تاریخی و البته در این مسیر پریچ و خم، با سختی‌هایی مثل محدودیت‌های دانش‌آموزی و دشواری دسترسی به مطالب مواجه می‌شد و گاهی هم شکست می‌خورد. اما بنا بر اصل خواستن توانستن است، راه خود را ادامه داد و ناامید نمی‌شد و خوشبختانه در مقطع راهنمایی و با تلاش زیاد، رتبه اول جشنواره خوارزمی را نصیب خود می‌کرد.

«بیابى از تواضع هرچه خواهى»

با این‌که سینا افتخارات زیادی در حوزه تخصصی خود دارد اما به دلیل وجود ویژگی تواضع در او، هیچ وقت خود را بالاتر از دیگران نمی‌بیند و همیشه سعی می‌کند به دوستان و پژوهش‌کنان کمک کند و به قول معروف خودش را نگیرد. جالب است این را هم بدانیم که سینا، یکی از داورهای سطح استان بوده و طرح خودش را رد کرده است تا عرصه برای دیگر نوجوان‌ها فراهم شود و وقتی اوضاع جالب‌تر می‌شود که حتی دوستان سینا هم این موضوع را نمی‌دانند و با خواندن این صفحه، حتما متعجب خواهند شد.... خلاصه بایک آدم جدی و مخالف تمام عیار پارتی‌بازی طرفیم، شخصیتی که این روزها به شدت به تئیر شدن بی‌قید و شرطش نیازمندیم. اینجاست که شاعر باید بفرماید: ...اگر به این همه خشوع.

«اوقات فراغت با طعم کتاب»

سینا حتی در زمان استراحت و دوری از مطالب درسی سراغ کتاب می‌رود، البته نه هر کتابی‌ها؛ از آن علمی و تخصصی‌هایش. چون معتقد است این مطالب، در آینده حتما به او کمک خواهند کرد. او از علم و چیزهای هیجان‌انگیزی که یاد می‌گیرد، لذت می‌برد و نوعی سبک زندگی خاصی را در پیش گرفته است.

